

جوان و جوانی از دیدگاه امام علی علیه السلام

اولین رسالت انسان، متوجه خویشستن خویش است. هر پیامبری در آغاز، با تربیت خداوندی - با واسطه یا بی واسطه - تهذیب و هدایت و تربیت می شود؛ و همواره در طول دوران رسالتش، از خویشستن خویش غافل نمی ماند.

مقدمه

انسان موجودی بسیار شگفت‌انگیز است؛ وی دورانی را پشت سر گذاشته است که به تعبیر قرآن «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» (انسان آیه ۱) بوده است و با تلاش خود به مقام «أَنْ أَجْعَلَ مِثْلِي أَوْ مِثْلَى» (مفتاح السعادة ج ۱ ص ۵۰۱) خواهد رسید. گاهی این مخلوق به ظاهر ناتوان، چنان از فرش تا عرش و از ملک تا ملکوت پرواز نموده است که فرشته مقرب الهی از همراهی با او باز مانده فریاد «لَوْ دُنُوتُ أَنْمَلُهُ لَأَحْتَرَقْتُ» (نهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة ج ۲ ص ۲۳۱) سر می دهد.

اما برای رسیدن به این قله بلند یک راه بیشتر وجود ندارد و آن راهی است که فرستادگان خدا و اولیاء آنان ترسیم نموده اند. انسان در فرایند تکامل خویش دوران‌های مختلفی را پشت سر می گذارد که هر یک از آنها ویژگی خاص خودش را دارد. یکی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان، دوران جوانی است و آن زیباترین و حساس‌ترین روزگار عمر آدمی و نیز ارزنده‌ترین و گرانبهاترین دوره زندگی انسان محسوب می شود.

اولین رسالت انسان، متوجه خویشستن خویش است. هر پیامبری در آغاز، با تربیت خداوندی - با واسطه یا بی واسطه - تهذیب و هدایت و تربیت می شود؛ و همواره در طول دوران رسالتش، از خویشستن خویش غافل نمی ماند. در آیه کریمه آمده است: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا، خُوشِشْنَ وَ أَهْلَ خُوشِشْنَ رَا از آتش در امان گیرید.» (تحریم آیه ۶).

انسان پس از توفیق در تربیت خود، باید به دیگران نیز کمک کند تا آنها نیز بتوانند تربیت شده و راه هدایت و سعادت را طی کنند. از جمله این افراد، فرزندان انسان و نسل جدید یعنی کودکان و نوجوانان و جوانان اند که نیازمند همراهی و ارشاد بزرگترها و الگوهای زندگی بویژه والدین و مربیان هستند.

اهمیت دوران جوانی

از جمله دوره‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی هر فرد، دوره جوانی است که بهار زندگی به شمار می رود. به طور طبیعی، شناخت ویژگی‌های انسان در این دوره، می تواند به استفاده مطلوب دوره جوانی بینجامد و به کارگیری توانایی‌ها در این زمان، به رشد و کمال بیشتر منجر شود. بر این اساس، شناخت دوران جوانی، از اهمیت خاص برخوردار است.

جوانی، مناسب‌ترین زمان برای به دست آوردن توانایی‌ها و دانش هاست؛ به گونه ای که می توان ادعا کرد دوران جوانی، فرصتی طلایی و در عین حال، کوتاهی است که اگر به خودشناسی و کمال یابی اختصاص یابد، سعادت جوان به خوبی تأمین می گردد.

حضرت علی-علیه السلام- در خصوص اهمیت جوانی و تأثیر آن در زندگی فرموده اند:

در ایام سلامت بدن، سرمایه ای فراهم و مهیا نساخته و در اوایل فرصت‌های زندگی و نیرومندی، درس عبرتی نگرفتند و درخشنده‌ترین ایام عمر را رایگان از کف دادند. آیا کسی که در جوانی اهل تن پروری بوده، می تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد؟!

و نیز فرمودند: شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ مَحَلَّهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَاقِبَةُ؛ دو چیز است که فضیلت و برتری آنها را نداند، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد؛ جوانی و سلامت.

نکات مهم در تربیت جوانان :

در آغاز این کلام، لازم است برای توجه به اهمیت و ضرورت تربیت جوانان به نکته‌های ذیل توجه شود:

الف: در یک نگاه و بررسی «درون دینی»، هر مسلمانی با توجه به سه نکته، اعتراف به اكمال دین می کند:

۱- قرآن، کامل فرو فرستاده شده و در آن به اکمال دین تصریح شده است [مائده/۳].

۲- رسالت از سوی خاتم پیامبران، حضرت محمد(ص)، به طور کامل انجام شده است.

۳- تکلیف امت در قالب معرفی پیشوای معصوم و بعد از او معصومی دیگر، تعیین شده است؛ تا آنجا که اگر دو نفر از جمعیت زمین باقی بمانند، حتماً یکی از آنان معصوم و حجت خداست.

اما اثبات کامل بودن دین برای آنان که ایمان به اسلام ندارند، استدلال‌های دیگری دارد؛ که در جای خود به آن پرداخته‌اند.

ب: شک نیست که تبیین، تفسیر، توسعه و تأویل راستین قرآن کریم، از زمان نبی اکرم (ص) به وسیله آن حضرت آغاز شد، و بعد از ایشان امام علی بن ابی طالب این رسالت را بر دوش گرفتند. سپس، امامی بعد از امام دیگر تا زمان امام حسن عسکری(ع)، تداوم آن رسالت را عهده‌دار بودند و در عصر ظهور نیز، دنیای جدیدی از کشف حقایق قرآنی به وسیله حضرت مهدی(عج) تحقق می‌یابد.

پ: امام علی بن ابی طالب(ع) از زمینه وجود اقبال مردم و تشکیل حکومت - با وجود موانع گوناگون - بیشترین بهره را در تبیین حقایق قرآنی بردند. مجموعه نهج البلاغه، بخشی از آثار برجای مانده آن امام برحق است.

ت: در باب تربیت جوان، سرخطهای جالب و فراوانی در قرآن می‌یابیم، که امام علی بن ابی طالب در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها از جمله نامه ۳۱ نهج البلاغه، آنها را تفسیر و تطبیق کرده و در دسترس خواستاران و مشتاقان معرفت و تربیت نهاده‌اند.

ث: **نامه ۳۱ نهج البلاغه، منشوری جاودانه است** که دهها شرح و تفسیر در طول تاریخ و در عصر کنونی بر آن نوشته‌اند که ما قطره‌هایی از این دریای حکمت و معرفت را برگرفته‌ایم.

ج: مقوله «تربیت»، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین رسالت‌ها و دغدغه‌های انبیای بزرگ و امامان نور(ع) به شمار می‌رود، که همه هدفها در خدمت این امر بزرگ بوده است.

چ: **روزگار و آموزگار بهترین عامل تربیت انسان** به شمار می‌رود. تاریخ و رویدادهای بایگانی شده در دل آن از بزرگترین آموزگاران تربیت آدمی به شمار می‌رود، که آزمایشگاهی بزرگ، آینه‌ای سترگ و منبع کلان شناخت است.

خ: **حیطه‌های تربیت انسان**، سه بخش دارد:

۱: شناختی و بینشی

۲: عاطفی و انگیزشی

۳: رفتاری و کنشی (الگویی)

ن: **ابعاد تربیت** نیز گسترده است از جمله:

۱- تربیت اندام و جسم: پرورش بدنی (تربیت جسمی)

۲- تربیت اندیشه و فکر: آموزش و بارور کردن استعدادهای فراگیر (تربیت عقلانی) و ایجاد تحول و فعلیت بخشیدن به استعدادهای فطری آدمی، برای رسیدن به انسان شدن.

۳- **تربیت اخلاقی** در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان

۴- تربیت اعتقادی

۵- تربیت عبادی

۶- تربیت اجتماعی و سیاسی

۷- تربیت اقتصادی

۸- تربیت جنسی

۹- تربیت خانوادگی

۱۰- تربیت عاطفی و روانی

۱۱- تربیت حرفه ای

۱۲- تربیت علمی و فرهنگی

لذا باید به همه حیطه ها و ابعاد تربیت توجه نمود تا تربیتی کامل و متعادل و متوازن و همه جانبه و جامع شکل گیرد.

ی: باید به اهداف اصلی تربیت آدمی توجه شود.

در بسیاری از آثار تربیتی قلم‌زنان غیرمعتقد به وحی آسمانی، بر روی هدف‌های تربیت یا کمتر تکیه شده یا به صورت کلی، به «در خدمت جامعه بودن» توجه گردیده است. این امر کاملاً طبیعی است که تربیت، با مسئله اعتقاد به خدا و هدف آفرینش انسان، کاملاً ارتباط تنگاتنگ دارد.

لذا با توجه به پرورش فرزند صالح و شایسته، زیباترین یادآوری از دو بخش یادآوری های انسان در زندگی محسوب می شود: یعنی کارها و اعمال انسان یک یادگار خیر از اوست و فرزند صالح نیز یادگار خیر دیگری است که از دیگری زیباتر است.

پس باید با تمام وجود و با داشتن علم و آگاهی و مهارت لازم و کافی به تربیت نسل جدید اقدام کنیم تا جوانان و فرزندان صالح تربیت نموده و از خود به یادگار بگذاریم که مایه افتخار و آبروی دنیا و آخرت ما باشند.

صفات شایسته یک جوان

حال با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت جوانان، یک جوان شایسته چه ویژگی ها و اوصافی باید داشته باشد؟

به تعبیر دیگر جوان مطلوب از منظر اسلام و بویژه امام علی علیه السلام کیست؟

۱- صالح بودن

در این مورد آداب و خصلت های فراوانی مطرح است که یک جوان مطلوب و شایسته آنها را باید دارا باشد، از جمله این خصلت ها صالح بودن است.

در غررالحکم جلد ۲ صفحه ۵۷۵ آمده است: «الولد الصالح أجمل الذکرین» فرزند صالح و شایسته زیباترین یادآوری از دو بخش یادآوری های انسان است. یعنی کارها و اعمال انسان یک یادگار خیر و فرزند صالح یادگار خیر دیگری است که از دیگری زیباتر است. پس باید جوانان و فرزندان صالح تربیت کرد و از خود به یادگار گذاشت.

۲- ناصح بودن

دومین خصلت ناصح بودن است. جوان علیرغم شور و احساس، زور بازو و غرور، اگر پیرو احساس و هوس نباشد و در پی شر و بدی نگردد و بر عکس به دنبال خیر و خوبی، خیرخواه و ناصح باشد، بسیار مطلوب و پسندیده است.

حضرت علی(علیه السلام) محمدبن ابی بکر را چنین توصیف می کند: «فعندالله نحتسبه ولدا ناصحا» (نهج البلاغه، نامه ۳۵) مصیبت شهادت محمدبن ابی بکر را که فرزندی ناصح و خیرخواه بود را به حساب خدا می گذارم.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین آمده است: «خیر شبابکم من تشبه بکهلکم». (میزان الحکم، ج ۵، ص ۶) بهترین جوان هایتان آنانند که به پیران شبیه باشند.

مقصود از شباهت جوانان به پیران آن است که پختگی و خیرخواهی و مسلط بودن بر هوس ها و احساسات را که در پیران است دارا باشند؛ اگر جوانی این چنین باشد پس شبیه افراد مسن خواهد بود.

از جمله ویژگی بزرگسالان آن است که دنبال خیر و صلاح هستند، در پی خواسته های احساسی و شهوانی نیستند. یعنی آنان ناصح هستند، اگر جوانی ناصح باشد شبیه پیر است و پسندیده است. چنانچه اگر پیری دنبال شر و احساسات و شهوات باشد، مذموم و ناپسند است.

در میزان الحکم، جلد ۵ آمده است: «و شر کهلکم من تشبه شبابکم»، پیران بد کسانی هستند که شبیه جوانان هستند.

فرزند در دوره فتنه پرخاشگر، دشمن، ستیزه جو و خشونت کردار می شود:

«فاذا کان ذلک کان الولد غیظا» وقتی آن زمان برسد که باطل موضع گرفته و... پس فرزند دشمن و پرخاشگر می شود. از ابعاد منفی فتنه همین است که نسل جوان را تباہ و در برابر پدر عاصی و دشمن و ستیزه جو می سازد.

۳- مطیع پدر بودن

سومین خصلت جوان شایسته، مطیع پدر بودن است. حضرت علی (علیه السلام) اطاعت پدر را حق پدر بر فرزند می داند و می فرماید: «فحق الولد علی الولد ان یطیع فی کل شی الا فی معصیه الله سبحانه»: (نهج البلاغه حکمت ۳۹۹) حق پدر بر فرزند آن است که در هر کاری، جز معصیت پروردگار، از پدر اطاعت کند.

۴- احترام گذاشتن به بزرگترها

چهارمین خصلت احترام گذاشتن به بزرگترهاست. نوجوانان و جوانان باید بزرگترها را تعظیم و تکریم کنند و احترام آنان را رعایت کنند. امام علی (علیه السلام) در بیان فساد زمان خود چند ویژگی را برمی شمارد. از جمله می فرماید: «لا یعظم صغیرهم کبیرهم» (نهج البلاغه خطبه ۲۳۳) کوچکترهایشان بزرگسالها را احترام نمی کنند.

۵- عمل به آئین جوانمردان (فتوت و جوانمردی)

پنجمین خصلت عمل به آئین جوانمردان است. در متون دینی و روایات، فتوت و جوانمردی از ویژگی های مثبت شمرده شده و در تعریف آن به نکات برجسته اخلاقی اشاره شده است. حضرت علی (علیه السلام) فرموده است: بعد المرء عن الدنیه فتوه". (غررالحکم ج ۲ ص ۲۶۸)

یعنی دوری انسان از پستی و صفت های پست، جوانمردی است و دیگر آنکه «نظام الفتوه الاحتمال عثرات الاخوان و حسن تعهد الجیران» (همان) آئین جوانمردی به تحمل کردن لغزش های برادران و رسیدگی خوب به همسایگان است.

از طرفی دیگر کلمه فتوه از فتی به معنی جوان است. در فارسی هم کلمه جوانمردی بدان اطلاق می شود. این نکته ادبی گویای آن است که ویژگی جوانمردی با جوان بیشتر تناسب دارد، در اصل جوانان باید آراسته به این خصلت برجسته اخلاقی یعنی جوانمردی و فتوت و ویژگی های آن باشند.

۶- دارای ضمیری بسیار پذیرا و مستعد

۶- دارای ضمیری بسیار پذیرا و مستعد

از جمله ویژگی های بسیار مهمی که در نهج البلاغه برای جوان بیان شده اینست که او دارای ضمیری بسیار پذیرا و مستعد می باشد. استعداد های انسان در این دوره شکوفا شده و با کمتر فعالیت در زمینه ای آماده بهره دهی است. در آغاز جوانی قلب انسان همچون زمینی خالی است که توان بذری پذیرایی و بذرپروری بسیار بالایی دارد. ایشان فرمودند: «انما قلب الحدث کالارض خالیه ما القی فیها من شیء قبلته» قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

به جهت همین فراگیری و پذیرش زیاد جوانان است که دشمنان توجه بیشتری به این قشر دارند و این قشر از اجتماع بیشتر آماج برنامه‌های آنهاست. لذا بر مربیان و والدین لازم است که به آنچه که در قلب جوان کاشته می شود توجه کنند، امام (ع) با اشاره به این حقیقت می فرماید: «فبادرتک بالادب قبل أن یقسوا قلبک ویشغل لیک»؛ در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دلت سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد.

خصوصیات نکوهیده برای جوان

اما در عین حال بعضی از ویژگی های رفتاری برای جوانان چهره منفی و ناشایست به تصویر می کشد که جوانان و نوجوانان باید از آن دوری کنند. از جمله آن ویژگی ها می توان موارد زیر را نام برد:

۱- عصبانیت و پرخاشگری

اولین خصلت نکوهیده برای جوان، پرخاشگری و ستیزه جویی است. حضرت علی (علیه السلام) در بیان آثار منفی فتنه بنی امیه به این نکته اشاره دارد که فرزند در دوره فتنه پرخاشگر، دشمن، ستیزه جو و خشونت کردار می شود:

«فاذا کان ذلک کان الولد غیظاً» (نهج البلاغه خطبه ۱۰۸). وقتی آن زمان برسد که باطل موضع گرفته و... پس فرزند دشمن و پرخاشگر می شود.

از ابعاد منفی فتنه همین است که نسل جوان را تباه و در برابر پدر عاصی و دشمن و ستیزه جو می سازد.

۲- بداخلاقی و سوء خلق

دومین خصلت ناپسند بداخلاقی است. از ویژگی های منفی برای جوانان بداخلاقی است. حضرت علی (علیه السلام) آنگاه که از فساد زمان خویش گله می کند می فرماید: «فتاهم عارم» (نهج البلاغه خطبه ۲۳۳) جوانشان بداخلاق است.

عارم یعنی سختی و دشواری و شدت و به کسی گفته می شود که برخوردش تند و آزاردهنده و اخلاقی خشن و بد است. فرق این دو خصلت منفی (غیظاً و عارم) در آن است که اولی به معنی آن است که از انسان به دیگران ناراحتی برسد. اما دومی اعم از آن است که موجب رسیدن یک امر نامطلوب به دیگری باشد یا نباشد و صرفاً به معنی تند و بداخلاق بودن است. شاید فرقاشان در این باشد که اولی در مقابل پدر است و دومی در مقابل هر فرد دیگر خواه پدر یا غیر آن باشد. هرچند این صفات برای بزرگسالان نیز ناپسند است، آنان همانند جوانان باید از این ویژگی های منفی دور باشند.

۳- دوری از والدین (بی احترامی و عدم افتخار به والدین)

خصلت ناپسند دیگری که بر ترک آن از سوی جوانان تأکید شده دوری از پدر و مادر است. گاهی بعضی فرزندان وجود پدر و مادر خود را ننگ دانسته و از آنان دوری می کنند، بویژه اگر پدر و مادر بی سواد باشند و یا ظاهر مرتب و آراسته نداشته باشند. این صفت بسیار زشت و نادرست و ضداخلاق اسلامی است. هر جوان باید به پدر و مادرش به هر کیفیت که هستند افتخار کند و با آنان نزدیک و همدم و مانوس باشد. با توجه به زمینه های مستعد جسمانی و روانی جوانان، توصیه به دور بودن از این خصایص ناپسند و زشت برای آنان روشن می شود..

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «من استنکف من ابویه فقد خالف الرشد». (همان) کسی که از پدر و مادر خود استنکاف دارد و آنان را ننگ خود داند از رشد و راه درست به دور رفته است.

۴- نافرمانی از والدین

نافرمانی در مقابل پدر و مادر خصلت منفی و ناپسند دیگر جوانان است. جوان نه تنها باید در مقابل پدر و مادر نافرمان نباشد بلکه باید کاملاً رام و خاضع و فرمان بردار باشد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «شرالاولاد العاق». (غررالحکم ج ۲ ص ۵۷۶) بدترین فرزندان، اولاد نافرمان است. با توجه به اینکه توصیه های اخلاق به فرزندان تحت عنوان اولاد بیشتر در سنین جوانی است، می توان از واژه اولاد و کاربرد آن در تعابیر و تعالیم اخلاقی در بحث از جوانان سود جست. امام (علیه السلام) می فرماید: «ولد عقوق محنه و شوم» (همان). یعنی فرزند نافرمان موجب محنت است و شوم و نحس است.

۵- مایه ننگ و عار گذشتگان بودن

گاه جوانان و فرزندان، رفتاری را در پیش می گیرند که شرف و آبروی خانوادگی را از بین می برند و مایه ننگ و عار دودمان خود خواهند بود و بزرگترهایشان آرزو می کنند که ای کاش چنین فرزندی نداشتیم.

لذا مایه ننگ و عار گذشتگان بودن، خصلت ناپسند دیگری است که جوانان را تهدید می کند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «ولد السوء یعد السلف و یفسد الخلف» (همان). یعنی فرزند بد موجب عار و ننگ گذشتگان و تباهی آیندگان است و نیز فرموده اند: «ولد السوء یهدم الشرف و یشین السلف». (همان) فرزند بد شرف را ویران سازد و گذشتگان را عیبناک می کند. در پایان بر این نکته تاکید می کنیم که اولیای بزرگوار نسبت به جوانان و فرزندان خویش مسئولند، باید آنان را درست درک کنند و متناسب با روحیات و نیازها و استعدادهایشان به تعلیم و تربیت آنان مبادرت ورزند.

۶- آرزومندی

جوان شهروند شهر آرزوهاست.

امیرمومنان (ع) در نامه خود به امام حسن (ع) می فرماید: این نامه را به جوانی می نویسم که آرزومند چیزی دست نیافتنی است.

جوان طبیعتا دارای آرزوست بنابراین، آرزو و امید او تا حدودی طبیعی است زیرا خیالات و آرزوها، نوعی ارضای خاطر را برای جوانان به ارمغان می آورد. چنانکه پیامبر اسلام (ص) می فرماید: آرزو برای اتمم رحمت است، اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درخت نمی کاشت.

اما آنچه که موجب زیادی خاطر می شود و جوان را در آستانه سقوط قرار می دهد، آرزوهای دور و دراز و ناصواب است امام علی (ع) با روشن گری دقیق چارچوب آرزو جوانان را مشخص و آسیب های آن را بیان نموده است از آنجا که می فرماید: «اعلم یقینا أنك لن تبلغ أملك ولن تعدو أجلک وأنک فی سبیل من کان قبلک فخذ فی الطلب وأجمل فی المكتسب فإن ربّ طلب قد جرّالی حرب». به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید. از مرگ جلو نمی آفتی و بر راه کسی می روی که پیش از تو می رفت. پس در بدست آوردن دنیا آرام باش و در مصرف آنچه بدست آوردی نیکو عمل کن زیرا چه بسا تلاش بی اندازه برای دنیا که تاراج رفتن اموال کشانده شد.

۷- مغلوب آفات و شهوات

خداوند متعال تکوینا در وجود انسان قوای مختلفی قرار داده است که برخی از آنها هنگام بلوغ فعال شده و در دوره جوانی به اوج خود می رسد ویا رسیدن سن میان سالی تدریجا فروکش می کند. ولی تشریعا حدودی برای آن بیان نموده است که از آن تجاوز نکند. در دوره جوانی بخاطر اوج گرفتن قوای نفسانی حفظ و کنترل آن وهم چنین حرکت در مسیر تعیین شده، کاری سخت و طاقت فرسا است و نیز دوره جوانی دوره غلبه شهوات و احساسات بر نیروی تفکر و اندیشه و دوره کم تجربه و ناپختگی است و این امر سبب می شود که جوان به خوبی از ابعاد و پیامدها و وقایع و رخدادهایی که پیرامون او در جریان است آگاه نباشد و لذا نتواند تصویر و چشم انداز روشنی برای خود، ترسیم کند.

بر همین اساس امام علیه السلام فرمودند: نصب الآفات و صریح الشهوات، مخاطب این نامه جوانی است که آماج بلاها و به خاک درافتاده خواهشها است.

ارتباط سه گانه جوان

جوان در زندگی کوتاه خود روابط فراوانی با دیگر موجودات جهان هستی بر قرار می کند، صورت و کیفیت این ارتباطات هم مختلف است اما راز موفقیت و سعادت دنیا و آخرت او در سه نوع ارتباط و آن هم بطور صحیح و در مسیر خود، نهفته است و این سه ارتباط عبارتند از:

الف. ارتباط با خدا

ب. ارتباط با خود

ج. ارتباط با دیگران

در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان

در دنیا کمتر کسی پیدا می شود که ارتباط سه گانه فوق یا برخی از آن را نداشته باشد. اما آنچه مهم است شکل و کیفیت ارتباط است امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه زیباترین شکل ارتباط با خدا، با خود و با دیگران را بصورت جالب و رسا بیان نموده است. گرچه این مطالب برای همگان است ولی نیازمندی جوانان به این توصیه ها شدید و بیشتر است لذا با رویکرد جوان شناختی مطرح شده است.

الف. ارتباط جوان با خدا

برای ارتباط با خدا نیاز به استحکام مبانی اعتقادی و تقویت باور های دینی دارد اساسی ترین اصول اعتقادی توحید و خداشناسی است تا وقتی که جوان خدایا را شناسد و در راه معرفت الهی گام بر ندارد نمی تواند ارتباط مطلوبی با خدا داشته باشد لذا بر عالمان دینی و وارثان مکتب توحید لازم است جوان مسلمان را با خدا آشنا نموده نور شناخت و معرفت خدای متعال را در دل او روشن سازد.

جوان و نیایش

هنگامی که جوان زیبایی های خدا شناسی و خدا باوری را درک کرد طبق میل درونی بسوی آن می شتابد و با کسب معرفت الهی، خدا باوری را در دل خویش استحکام می بخشد، وقتی با معبود حقیقی خویش آشنا شد و دانست که معبود او خدای رؤف و مهربانی است که سخنان او را متواضعانه با کمال دلسوزی گوش فرا می دهد «فإذا نادیته سمع نداک»، حرف دل خود را با او در میان می گذارد و عاشقانه با او به راز و نیاز می پردازد. از دیدگاه نهج البلاغه دعا و نیایش اساسی ترین وظیفه جوان محسوب می شود از آنجا که می فرماید: بدان خدایی که گنج آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه درخواست داده و اجابت آن را به عهده گرفته است تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند.

داشتن آرزوهای بلند و خواسته های فراوان از یک سوی، توجه دشمنان به جوانان برای اغفال از سوی دیگر نیاز جوان را به راز و نیاز برای برطرف کردن غم ها و غصه ها و مددجویی از خدا لازم و ضروری می سازد. امام (ع) در این زمینه می فرماید: «فأفضیت إليه بحاجتك وأبثتته ذات نفسك وشكوت إليه همومك واستكشفتة كربك واستعنته علی أمورک» حاجت خود را با او بگوی و آنچه در دل داری نزد او بازگوی، غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن تا غم های تو را بر طرف سازد و در مشکلات تو را یاری رساند.

ب: ارتباط جوان با خود

مراد از ارتباط با خود، تهذیب نفس، کسب فضائل اخلاقی و درست نمودن رفتار و حالات درونی است. شکی نیست که همه خواهان نیکبختی و سعادتند و برای رسیدن به این هدف بزرگ راهی جز تزکیه و تصفیه نفس یعنی کسب مکارم و فضائل و دوری از رذائل اخلاقی وجود ندارد. قرآن کریم بر این مطلب تصریح دارد که می فرماید: «قدأفلح من زکیها».

پرسشی که مطرح می شود اینکه علی رغم این همه عوامل انحراف و گمراهی که بر سر راه جوان قرار دارد عواملی که امکان دارد زندگی او را ویران و آخرتش را تباه سازد چگونه میتوان در برابر آن استقامت و پایداری نموده با تهذیب نفس و کسب فضائل اخلاقی به کمال و سعادت برسد؟!

در پاسخ باید گفت امام علیه السلام چند راه روشن و کاربردی جلوی جوان سالک گذاشته است که امنیت وی را از همه ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی ضمانت می کند.

۱- یاد خدا

همه قوای درونی انسان از قلب فرمان می گیرد و قلب است که منشأ همه خوبی ها و بدی ها، خوشبختی ها و بدبختی ها است. جوان تا وقتی که نتواند قلب خود را از سکونت شیاطین، پاک نموده و محل نزول رحمت الهی قرار دهد، نمی تواند قوای دیگر را کنترل کند. لذا بر جوان لازم است که قلبش را با یاد و ذکر خدا زنده نماید و در این صورت است که وی می تواند با همه موانع مقابله نموده به سعادت برسد.

حضرت فرمودند: همانا تو را سفارش می کنم که دلت را با یاد خدا زنده کنی.

۲- تقویت جان

هم چنان که برای جهاد اصغر نیاز به تقویت جسم و نیروی بدنی دارد، برای جهاد اکبر که جهاد با نفس اماره است، قدرت و نیروی روحی و معنوی لازم است. امام (ع) با اشاره به این مطلب عوامل تقویت روح را نیز بیان فرموده است: «جان را با یقین نیرومند کن و با حکمت روشنائی بخش و با یاد مرگ آرام کن، به نابودی از او اعتراف گیر و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش و از زشتی های گردش شب و روز او را بترسان و تاریخ گذشتگان را بر او بنما».

۳- خوف از خدا

مطمئن ترین و مستحکم ترین دستگیره ای که اگر انسان به آن چنگ بزند از هر نوع عوامل انحراف و گمراهی در امان می ماند، تقوای الهی و خوف از خداست. امام (ع) در این رابطه می فرماید: «همانا تورا به ترس از خدا سفارش می کنم که پیوسته در فرمان او باشی».

و در جای دیگر می فرماید: «ومن خاف أَمَن کسی که از خدا بترسد ایمن باشد».

ج: ارتباط جوان با دیگران

یکی از موضوعات بسیار مهمی که نقش بسزایی در موفقیت در دنیا و سعادت در آخرت جوان ایفا می کند، موضوع ارتباط او با دیگران و چگونگی آن است. بطور کلی ارتباط جوان با دیگران بر دو قسم ذیل تقسیم می شود.

۱- ارتباط جوان با جامعه

جوان خواهان این است که اجتماع انسانی که او در آن زندگی می کند جامعه ای باشد صلح، صفا و امنیت بر آن سایه افکند.

نزاعها، کشمکش ها و پرونده های قضایی به حداقل برسد محبت و صمیمیت در آن موج زند و تعاون و همکاری به حد اعلی برسد. برای بوجود آوردن چنین محیطی می بایست جوان وظایف و حقوق اجتماعی خود را نسبت به جامعه خود به احسن وجه ادا نماید.

امام (ع) در رابطه با وظایف جوان نسبت به جامعه می فرماید: «یابنی إجعل نفسك میزانا، پسر من خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت میان خود و دیگران قرار ده برای دیگران چیزی را دوست دار که برای خود دوست می داری و برای آنان نپسند آنچه را برای خود نمی پسندی، به دیگران ستم نکن همان گونه که دوست نداری به تو ستم شود. به دیگران نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی شود آنچه را برای دیگران قبیح می شمری برای خودت نیز زشت شمار و برای مردم راضی شو به آنچه برای خود از سوی آنان راضی می شوی. آنچه را که نمی دانی مگو، اگرچه آنچه می دانی اندک باشد و آنچه دوست نداری درباره تو بگویند، درباره دیگران مگو».

۲- ارتباط جوان با افراد

از نظر نهج البلاغه جوان باید با همه افراد با خوبی و نیکی رفتار کند و حقوق همه آنها را بعنوان افراد جامعه باکمال دقت رعایت نماید و همه آنان را دوست داشته باشد. اما اگر بخواهد رابطه دوستانه و خصوصی با کسی برقرار کند به گونه ای که اعتقاد، رفتار و اخلاق او بر جوان تاثیر گذار باشد، نمی تواند با هر کسی رابطه این چنینی برقرار کرد بلکه باید به شخصیت طرف مقابل توجه نمود و خوب و بد بودن او را مورد بررسی قرارداد. مقصود از رابطه جوان با افراد هم همین است.

امام (ع) در حدیث معروف خود به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع) در این زمینه فرمودند:

«يا بَنِي إِيَّاکَ وَمَصَادِقَةُ الْأَحْقَقِ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضْرِكُ وَإِيَّاكَ مَصَادِقَةُ الْبُخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعَدُ عَنكَ أَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ. وَإِيَّاكَ وَمَصَادِقَةُ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبْغِيكَ بِالْأَثَافَةِ وَمَصَادِقَةُ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ».

پسر من از دوستی با احمق بهره یز، چرا که می خواهد به تو نفعی برساند اما دچار زیانت می کند و از دوستی با بخیل بهره یز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می کند و همچنین از دوستی با بدکار بهره یز که به اندک بهایی تو را می فروشد و نیز از دوستی با دروغگو بهره یز که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می نماید.

وما توفیقی الا بالله العلی العظیم

تهیه و تدوین: مرکز مشاوره جامعه الزهرا علیها السلام



مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان